

## بيانات در دیدار خانواده‌های شهداي هفتمن تير و مكه و ديجر اقشار مختلف مردم - 6 /تير / 1369

بسم الله الرحمن الرحيم  
ان الله و اناليه راجعون

این روزها برای ملت ایران، روزهای مصیبتهایی بزرگ است. چه مصیبتهایی که در سالهای گذشته، بر این ملت شجاع و ایثارگر و مظلوم واقع شد، مانند مصیبت فقدان شهداي عالي قدر هفتم تير؛ آن عزيزانی که هر کدام در انقلاب، شخصیت ممتازی بودند و شخصیتی مثل شهید مظلوم، مرحوم آیه الله بهشتی (رضوان الله تعالى علیه) در میان آنها بود که حقا سید شهداي انقلاب اسلامی است و چشم و چراغ این انقلاب و این ملت بود، و چه شهداي مظلوم و کبوتران خونین بال حريم امن الهی در مکه که باز این روزها، يادآور مظلومیت و مصیبت آنهاست. اينها يادهای گذشته است که البته فراموش نشدنی است.

این روزها هم مصیبت بزرگ زلزله - این امتحان دشوار الهی - برای ملت ایران پیش آمد که حقیقتا داغ کودکان و زنان و مردان و نفوس طبیه‌یی که در این حادثه از بین رفتند، خانمانهایی که ویران شد و آرزوهایی که بر باد رفت، از ياد اين ملت زدوده نخواهد شد. مصیبت زلزله، حقیقتا مصیبت بزرگی است. در يك لحظه، دهها هزار انسان کشته شدند و دهها هزار خانواده داغدار گردیدند و انسانهای بی‌شماری، بی‌خانمان شدند. چه قدر افرادی بودند که در این مصیبت، از خانواده‌ی خود، برادرانی، خواهرانی، پدر و مادری، فرزندانی و عزيزانی را از دست دادند. اينها مصیبتهای الهی است. اينها حوادث تلخ زندگی است. اينها، حوادثی است که عواطف انسانی را متأثر می‌کند، دلها را می‌سوزاند، برای انسانها غم به وجود می‌آورد و احساسات را جریحه‌دار می‌کند.

تقريبا همه‌ی انسانها، در اين جهت مثل هم هستند که اين طور حوادث، دلها و عواطف آنها را جريحه‌دار می‌کند و تحت تأثير قرار می‌دهد؛ اما انسانها از لحاظ فهم اين حوادث، با هم متفاوتند. زلزله را همه می‌بینند، درس نمی‌گيرند، حس می‌کنند، مصیبت را با وجود خودشان لمس می‌نمایند؛ اما خيلیها حادثه را درست نمی‌فهمند، درس نمی‌گيرند، از حادثه منتفع نمی‌شوند و استفاده نمی‌کنند؛ ولی بعضیها از حادثه استفاده می‌کنند و از آن درس می‌گيرند. تلخي، برای آنها هم هست؛ اما اين تلخي، با آن تلخي متفاوت است. اين طور حوادث، برای بعضی زهر و سم است؛ ولی برای بعضی داروي تلخ است. در هر دو مورد، تلخي هست؛ اما بعضیها حادثه را طوري می‌فهمند و به گونه‌یی با آن برخورد می‌کنند که برای آنها سم قاتل می‌شود. بعضیها هم اين حادثه را طوري می‌فهمند و طوري با آن برخورد می‌کنند که برای آنها دوای درمانبخش می‌شود؛ اگرچه باز هم تلخ است.

اسلام به ما تعلیم می‌دهد که این حوادث چیست. يا بهتر بگوییم، اسلام به ما تعلیم می‌دهد که با حوادثی از این قبيل، چگونه باید رفتار کرد و چه طور باید با آنها روبه‌رو شد. فرق نمی‌کند، هم حادث تلخ طبیعی - مثل زلزله، سیل و از این قبيل - و هم حادث تلخي که به وسیله‌ی انسانها به وجود می‌آید - مثل جنگها، قتل عام‌ها، کشتارها - حادث است. اسلام، همه‌ی اين حادث را با يك ديد نگاه می‌کند. "و ما ارسلنا في قريه من النبي الا اخذنا اهلها بالباساء والضراء": ما همه‌ی کسانی را که به رسالت الهی مخاطب شدند و بار مسؤولیت بر دوشان قرار گرفت، با اين گونه حادث مواجه می‌کنیم. هم با حوادثی از قبيل جنگ - حوادثی که به دست انسانها به وجود می‌آید - و هم با حادث طبیعی، مثل گرسنگیها، مرگ و میرها و از اين قبيل مواجه می‌کنیم. چرا؟ "لعلهم يضرعون". اين حادث، باید انسان را به خدا نزدیک و آشنا کند و دل او را به خدا متوجه نماید. در آيه‌ی سوره‌ی انعام هم همین طور خداوند متعال خطاب بهنبي اکرم می‌فرماید که قبل از تو، همه‌ی اين امتها و جمعیتهایی که دين بر آنها نازل شد و مسؤولیت بر دوش آنها قرار گرفت، با اين گونه حادث مواجه شدند.

اين حادث، امتحان و ابتلاست. امتحان، بدین معنا نیست که يك آزمایش است تا خدا ما را بشناسد؛ يا يك آزمایش است که ما خودمان، خودمان را بشناسیم - هیچ‌کدام از اينها نیست - بلکه امتحان، عبور از يك مرحله و مواجه شدن با يك بار سنجین است. امتحان، يك گردنه در يك مسیر است. يا شما از اين گردنه عبور خواهید کرد،

یا پشت گردنخواهید ماند؛ از این دو حال، خارج نیست. مصایب دنیا، در حکم بارهای سنگینی است که بر دوش شما قرار می‌گیرد. یا این بار را بلند خواهید کرد - این بار، کمر شما را نخواهد شکست - یا زیر این بار، در می‌مانید و عاجز می‌شوید. از این دو حال، خارج نیست. خدای متعال، امتحانها را بر سر راه افراد و ملتها قرار می‌دهد، تا این ملتها این بارها را بردارند، از این گردنها عبور کنند و به این وسیله، به مقامات عالی برسند و در جایگاه شایسته و مناسب خود قرار بگیرند. به حادث، با این دید نگاه کنید.

وقتی حادثه‌ی زلزله برای کشور و ملتی پیش می‌آید، این ملت با این حادثه چگونه برخورد خواهد کرد؟ یا همه‌ی آحاد ملت، از این گردنها سخت عبور می‌کنند و این داروی تلخ را می‌نوشند، یا پشت این گردن می‌مانند. این، سرنوشت‌ساز است. اگر از این گردن، بسلامتی عبور کردید، برند هستید و به سرمنزل خواهید رسید. اگر شما که مصیبت‌زده‌ی حادثه هستید، توانستید صبر کنید؛ دل را به خدا متوجه نمایید؛ از خدا پاداش بخواهید؛ با ذکر و یاد الهی، مصیبت را بر جان و قلب خود گوارا کنید؛ شما که خانه و کاشانه‌تان، در این حادثه ویران شده است، اگر توانستید همت کنید، تا با عزت و کرامت، این خانه را دوباره بسازید؛ زندگی را به راه بیندازید؛ از این حادثه، درس عبرت بگیرید؛ به قدر لازم، محکم‌کاری بکنید؛ از این گردن، بسلامت عبور کرده‌اید.

اگر شما ملت - که این حادثه در میانتان اتفاق افتاده است - توانستید تعاون و همکاری کنید، مهربانی و دلسوزی کنید، از مال و نیروی بازویتان استفاده کنید، با نظم و انضباط و سرعت و چابکی و فداکاری، به یاری همنوعانتان بشتابید و مصیبت را بر مصیبت‌زدگان هموار کنید، از این گردن بسلامتی عبور کرده‌اید. اگر این حادثه موجب بشود که از آن درس بگیریم، خودمان را مجهز کنیم، روش‌های مقابله‌ی با حادث طبیعی را یاد بگیریم و به کار بیندیم؛ از این گردن بسلامتی عبور کرده‌ایم، از آن درس گرفته‌ایم و سود بردہ‌ایم.

اما اگر خدای نکرده، حادثه‌ی مثل زلزله، موجب بشود که ما مأیوس بشویم، از کار وamande بشویم، به یاری همنوعانمان نرویم، از حادثه درس نگیریم، چشم به کمک دیگران بدوزیم، بنشینیم تا دیگران برای ما کار بکنند - چه دیگرانی از میهن خودمان، چه دیگرانی از سایر نقاط عالم - اگر این حادثه، به ما و به مصیبت‌زده، تنبیه و بدلي و عدم تحرك لازم بباشد، از این حادثه ضرر کرده‌ایم و این حادثه به ضرر ما تمام شده است. بعضی از ملتها، از حادث تلخ، نرdbانی برای صعود و عروج می‌سازند. بعضی از ملتها، در حادث شیرین هم، گاه لغش پیدا می‌کنند و سقوط می‌کنند. اینها همه درس است. این درسی است که اسلام به ما می‌دهد.

حوادثی هم که به وسیله‌ی انسانها تحمیل می‌شود، همین‌طور است. اگر ملت ما، در مقابل حادثه‌ی مثل حادثه‌ی هفتم تیر، یا حادثه‌ی فاجعه‌آمیز مکه، دل خود را از دست می‌دادند، خود را می‌باختند، مأیوس و پشیمان و مرعوب می‌شدند، یقیناً باخته بودند و آن حادثه، سم مهلك می‌شد. اما وقتی ملتی، در مقابل حادثه‌ی هفتم تیر، از خود جرأت و آگاهی و شجاعت نشان داد؛ زبان گویای او، دشمن را رسوا کرد؛ بازی توانای او، دشمن را به زانو درآورد؛ استحکام پایه‌ی نظام را بیشتر کرد و انسجام در میان ملت پیش آمد، این ملت برنده است. و ملت ما، در همه‌ی این حادث نشان داده که از آن نوعی است که خدا اراده کرده و خواسته است. آفرین بر این ملت!

در آن حادث تلخ - در حادثه‌ی جنگ، در حادثه‌ی هفتم تیر، در حادثه مکه و جمعه‌ی خونین - و در حادث گوناگون دیگر، ملت ما نشان داد که در مقابل حادثه، ذلیل نشده است؛ بلکه بر حادثه سوار شد، از حادثه به عنوان یک درس استفاده کرد، دشمنش را شناخت و فهمید که استکبار جهانی و نفاق خبیث، تا کجا با اسلام و قرآن و حاکمیت اسلامی، معارض و مخالف است. ملت ما، در حادث گوناگون این یازده سال، بدون استثنا ایستادگی و مردانگی کرد، آگاهی نشان داد و حادثه را به سود خود تغییر داد.

این حادثه‌ی زلزله هم، همین‌طور است. الان مردم ما نشان می‌دهند و ثابت می‌کنند که این حادثه، نمی‌تواند آنها را خاضع و ذلیل کند؛ آنها حادثه را ذلیل کرده‌اند. درست است که در این حادثه، داغهای زیادی بر دل ما نشست؛ درست است که عزیزانی از دست رفتن و خانواده‌های بی‌شماری داغدار شدند؛ اما حرکت ملت ایران، حضور قوی و قاطع نیروهای ملت در صفوف همکاری و کمک به مصیبت‌زدگان، برای ملت‌های دیگر یک درس است و نشان دهنده‌ی عظمت ملت ما می‌باشد.

همان نیروهایی که در میدان جنگ بسیج می‌شدند - همان خانواده‌ها، همان جوانان، همان مردان و زنان - امروز هم بسیج شده‌اند. امروز هم در این سطح وسیع زلزله و منطقه‌ی آسیب‌دیده، اینها هستند که به یاری همنوعانشان شتافته‌اند. من از یکایک آحاد ملتمن تشکر می‌کنم. از یکایک کسانی که در این حادثه، به یاری مصیبت‌زدگان شتافتند، عمیقاً و صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم.

البته این حادثه، آنقدر بزرگ بود که دنیا را به خود متوجه کرد. امروز، موج عظیمی از عواطف انسانی در سراسر دنیا، در میان آحاد مردم، انجمنهای انسانی و سازمانهای مردمی، به وجود آمده است. مردم کشورهای مسلمان در آسیا و سایر نقاط، به صورت خودجوش احساس مسؤولیت کردند، تا در این حادثه، به یاری برادران مسلمان عزیزان بشتابند. دولتها بسیاری - چه اروپایی و چه آسیایی - در این حادثه به کمک ملت ایران شتافتند و احساس عظمتی را که از ملت ایران، در دلهای مردم و دولتها و دولتمردان وجود دارد، مجسم کردند.

شما ملت ایران در این یازده سال، از خودتان احترام زیادی در دلهای همه‌ی مردم دنیا به وجود آوردید. ملتی با این عظمت، با این شجاعت و با این استقلال زندگی بکند، شوخي نیست. والله که دشمنان شما هم در دل، به عظمت شما اعتراض دارند. وقتی این ملت بزرگ و شجاع و قهرمان، با حادثه‌ی تلخ بزرگی، این‌طور رو به رو می‌شود، دنیا تکان می‌خورد و دولتها و ملت‌ها، در صحنه‌ی مددکاری حاضر می‌شوند، که ما از همه‌ی آنها تشکر می‌کنیم. البته کمکهایی که از اطراف دنیا به ملت ایران می‌شود، در مقابل آن چیزی که خود ملت و دولت ما انجام داده‌اند و خواهند داد، جزء کوچکی است. خود شما هستید که باید این ویرانی را به آبادانی تبدیل کنید. خود شما هستید که باید زندگی را بار دیگر به شکل پرپیش‌تری، در این مناطق به وجود بیاورید و به زخم‌های مصیبت‌دیدگان، مرهم بگذارید. کمکهای انسانی دیگران هم، در حقیقت حرکت رمزی و یک اظهار ارادت به ملت ایران است.

امیدواریم که خداوند متعال، این ملت بزرگ را در مقابل این حوادث، آبدیده‌تر از گذشته بکند. شما ملت عزیز، در حوادث یازده ساله، حقیقتاً آبدیده شدید. لذا در همین حادثه، چگونگی حضور نیروهای ما، این سازماندهی منظم، این حرکت سریع، این امداد و تعاون - که باز هم باید ادامه پیدا بکند - برای بینندگان خارجی، اعجاب‌آور است. کمک به مناطق زلزله‌زده، نباید قطع بشود. البته نوع کمک، متفاوت است. در روزهای اول، نجات جانها، پرکردن شکمها و رفع حوايج ضروري مطرح است. هرچه می‌گذرد، حوايج و نیازهای آن مردم، شکلهای دیگر و متنوعتر و انسانیتر و پیچیده‌تری می‌گیرد و دولت و ملت باید به این کمکها ادامه بدهند.

من از دولت محترم جمهوری اسلامی، به خاطر سرعت عملش در این حادثه، از هلال احمر جمهوری اسلامی، از نیروهای مسلح، از دستگاههای مختلف - که خوب حرکت کردند و به وقت، خودشان را خوب رساندند - و از آحاد مردم باید صمیمانه تشکر کنم. حقیقتاً آنچه که امروز مشاهده می‌شود، یادآور حضور عظیم و بسیج عمومی مردم در روزهای جنگ تحملی است.

این انقلاب، چون با نام خداست، همیشه با شیطانها مواجه است. چون معتقد به طرفداری از مستضعفان و مظلومان است، همیشه با قدران و زورگویان و مستکبران، دست به گریبان است. چون برای ارزشهای انسانی حرکت می‌کنید، همیشه کسانی که با ارزشهای انسانی مخالفند، از شما ناراضیند. باید شما آبدیده باشید. باید شما روحان و قلباً مجهز باشید.

این ملت، پرچم عظیمی را در دست دارد. این پرچمی که شما به اهتزاز درآوردید، دنیا را بیدار کرده است. ببینید امروز در فلسطین، چه خبر است. ببینید در شمال آفریقا، چه خبر است. ببینید چگونه اسلام در جوامع اسلامی، حق خود را باز می‌یابد و به دست می‌آورد. این کارها را شما کردید.

در مقابل فرهنگ کفر و استکبار، مسلمین را ضعیف بار آورده بودند که احساس ضعف می‌کردند. در جاهایی که امروز میلیونها مسلمان توانسته‌اند سهم و حقی در حکومتها به دست بیاورند، تا قبل از انقلاب اسلامی، کسی جرأت نمی‌کرد دم از اسلام بزند. در این کشورهای اسلامی که امروز ائمه‌ی جمعه و جماعت‌شان، تشکیلات به وجود می‌آورند و مسجدها رونق پیدا می‌کنند و کانون تحرك می‌شوند، تا دیروز مسجدها متعلق به یک مشت پیرمرد از کار افناه بود. امروز آن مسجدها، جای جوانان و کانون جنبشهاست. این را شما کردید. این را حرکت شما و قائد

عظمیم الشأنتان - آن مرد الهی - بود که انجام داد.

برای همین است که دشمنان اسلام، از شما عصبانیدن. "ولن ترضي عنك اليهود و لاالنصاري حتى تتبع ملتهم". تا از اسلام دست برندارید، دشمنان اسلام با شما مخالفند. منتها نکته‌یی که در این جاست، این است که دشمن می‌خواهد بگوید اگر من با کسی مخالف بودم، او باید از بین برود! این را به ملت‌های ضعیف باوراند بودند. حالا عکسش ثابت می‌شود و معلوم می‌گردد که هر کس با اسلام مخالف است، باید برود. اسلام جای خود را در عالم باز کرده است و بازتر هم خواهد کرد. قبل از انقلاب شما، در بعضی از کشورهایی که امروز مردم آن، پرچم اسلام را بلند کرده‌اند، در ملاعام کسی جرأت نمی‌کرد بگوید من مسلمانم، یا اعمال مسلمانی را بجا بیاورد و نماز بخواند؛ اما امروز صدای تکبیرشان، فضای آن کشورها را انباشته است.

استکبار، چه بخواهد و چه نخواهد؛ امریکا، چه بخواهد و چه نخواهد، دوباره در وسط صحنه بپاکشته است. هیچ کاری هم از دست دشمنان نو بیدار شده و این قهرمان عظیم قرنها، دوباره در این ساخته است. هیچ کاری هم از حریم امن اسلام ساخته نیست. اکثر کاری که می‌توانند بکنند، این است که از حقد و بغضشان، مسلمانان را در حرم امن الهی، به خاک و خون بکشند. بیشتر از این، چه کار می‌توانند بکنند؟ حداکثر کاری که می‌توانند بکنند، این است که ملتی را که امروز عاشق‌ترین ملت‌های مسلمان به یاد و نام خداست، از زیارت خانه‌ی خدا مسدود و منوع کنند؛ کما این که کردند. بله، دلهای ما به خاطر محرومیت از زیارت خانه‌ی خدا، پر است. قلب‌های ما شکسته و بغض، گلوی ما را گرفته است. اما همین عمل دشمنان اسلام و ایادی و مزدورانشان، باز به عظمت اسلام خواهد انجامید و مظلومیت ملت ایران، آشکارتر خواهد شد و همین مظلومیت است که حقانیت ما را ثابت می‌کند.

جای ایرانیان، در خانه‌ی خدا و در ایام حج خالی است؛ اما یاد آنها در مناسک حج، غایب نیست. آنها بی که چند سال قبل، شعار "الله‌اکبر" و برائت از مشرکان و وحدت امت اسلامی را از شما یاد گرفتند، امروز همان شعارها را تکرار می‌کنند. این، نقش ملت ایران است. این ملت باید روزبه روز، خودش و روحیه و قلب و اراده‌اش را قویتر بکند. این حوادث زلزله و امثال آن، می‌تواند وسیله‌ی تقویت اراده‌ی شما ملت بزرگ باشد.

من یکبار دیگر، به مصیبت‌دیدگان این حادثه‌ی عظیم زلزله، تسلیت عرض می‌کنم و از آنها می‌خواهم که صبر کنند، به خدا توکل کنند و پای خدا حساب نمایند. اگر صبر کردند، خدا به آنها پاداش و اجر بزرگ خواهد داد. شما مردم هم این کمکها را به شکل اتم و اکمل ادامه بدھید و دولت جمهوری اسلامی، همچنان که بحمدالله تا امروز، در برنامه‌ریزی و امداد و سرعت عمل و سازماندهی، به شکل عالی عمل کرده است، بعد از این هم ان شاءالله به همین ترتیب عمل کند. مواطی باشید، شیطانهایی در این بین، در مناطق آسیب‌دیده وجود نداشته باشند که به انجای مختلف شیطنت کنند و در میان مردم، با رهزنی و دزدی و ایذا و شماتت و تضعیف روحیه و امثال اینها، انواع مختلف خباثت خودشان را نشان بدھند. قوه‌ی محترم قضاییه آماده باشد، کسانی را که ممکن است در این مناطق، از مصیبت دیگران، برای خود طرفی بینندن، مجازات و تأدیب کند و نگذارد دست به چنین اقداماتی بزنند. من از همه‌ی شما برادران و خواهرانی که در اینجا تشریف دارید؛ بازماندگان شهداًی عالی قدر هفتم تیر، بازماندگان شهداً و اسراء مفقودان و جانبازان شهرهای مختلف، برادرانی که برای بزرگداشت یاد شهداًی مکه و جمعه‌ی خونین گرد هم آمدید، برادران سازمان تبلیغات، برادران مسجد ابی ذر، برادران عزیز قوه‌ی قضاییه و بقیه‌ی جمعیت‌ها و گروه‌ها، تشکر می‌کنم. امیدوارم که خدای متعال، همه‌ی شما را مشمول رحمت و تفضل و توفیقات خود قرار بدهد.

والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته